

دو امشاسپند خرداد و امرداد و نشانه‌های آنان در شاهنامه

دکتر مرتضی درودی جوان^۱

چکیده

در میان آثار ادب فارسی، شاهنامه بی‌شک نزدیک‌ترین آنها به سامانه باورشناختی ایران باستان است. در این مقاله کوشیده‌ایم که با استفاده از روش تحلیل محتوا نشانه‌های استوار و گمان‌آمیز دو امشاسپند خرداد و امرداد را در شاهنامه تحلیل نماییم. هدف پژوهش پاسخ به این سؤال است که چرا اندیشه امشاسپندان با وجود اهمیت معرفتی آن در متن شاهنامه به حسب ظاهر چنین کم‌اثر و بی‌فروغ است. در این پژوهش پس از ذکر معانی و ویژگی‌های عمومی امشاسپندان و نیز کارکردهای اختصاصی خرداد و امرداد به جست‌وجوی نشانه‌های آشکار و پنهان این دو امشاسپند در شاهنامه پرداختیم. علاوه بر یافتن تنها ذکر صریح این دو امشاسپند در شاهنامه، تمامی مواردی که ویژگی‌های عمومی امشاسپندان و اختصاصات این دو را در بر دارند شمارش کردیم و پس از محاسبه میزان بسامد آنها به تحلیل محتوایی و مفهومی یافته‌ها پرداختیم. در اثر این پژوهش، نتایجی همچون یافتن تنها یادکرد امشاسپندان در داستان کیخسرو و پیوند آن با کمال و جاودانگی وی، حضور کارکرد مذهبی و باورشناختی امشاسپندان و عدم تلقی فلسفی و هستی‌شناختی از آنان، وجود هشت یادکرد از امشاسپند خرداد به عنوان خردادماه و خردادروز و عدم یادکرد امرداد در این معانی و دست‌یافت‌های دیگر حاصل گردید.

کلیدواژه‌ها: خرداد، کمال، امرداد، جاودانگی، ویژگی‌های عمومی، ویژگی‌های اختصاصی.

مقدمه

پیوند شاهنامه با موضوع امشاسپندان به هیچ روی غریب و بعید نیست و از سوی دانشوران و پژوهندگان بسیاری مورد تصریح قرار گرفته است. دلیل این امر نیز بسیار آشکار است. در میان تمامی آثار موجود به زبان فارسی، شاهنامه نزدیک‌ترین آنها به فرهنگ ایران باستان است و دور از انتظار نیست که رایج‌ترین باور دینی و فلسفی آن دوران بر اندیشه جاری در این اثر ارزشمند به شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون تأثیر بگذارد. اشارات گوناگون به نام‌ها یا معانی امشاسپندان و رویارویی آنها با دیوها و دشمنان شناخته شده آنها مانند اشارات موجود در داستان اکوان‌دیو (شعبان‌لو، ۱۳۹۱: ۱۰۹ - ۱۱۵)، پیوند معانی گوناگون امشاسپندان با یکدیگر مانند پیوند سامان‌مند مفاهیمی همچون پاکی و راستی، دادگری، شهریاری، فرّه ایزدی و ... با یکدیگر (ریاحی، ۱۳۷۵: ۲۱۵؛ صفا، ۱۳۶۳: ۴۹۴؛ دوفوشه‌کور، ۱۳۷۴: ۱۵) و نشانه‌های بسیار دیگر تأییدکننده این انگاره به شمار می‌روند.

با رجوع به شاهنامه و با جست‌وجوی امشاسپندان در بدو نظر به امری خلاف انتظار برمی‌خوریم که عبارت است از حضوری بس کم‌فروغ و کم‌اثر! چنان که تنها در یک موضع از متن به نحو صریح و استوار از آنان یاد شده است و گاه نیز اشاراتی گذرا، آن هم تنها به برخی از امشاسپندان در این متن دیده می‌شود! ... اکنون پرسش بنیادین این است که آیا پذیرفتنی است که این مهم‌ترین اندیشه فلسفی - باورشناختی ایران باستان در متنی همچون شاهنامه تا این حد کم‌اثر باشد؟

اما با نظری دقیق‌تر و با راه بردن به معانی ژرف اندیشه امشاسپندان و نیز لایه‌های ژرف معنایی شاهنامه می‌توان نشانه‌هایی از حضور معانی و کاربردهای امشاسپندان را در این متن حماسی - اسطوره‌ای به دست آورد و به روشنی مشاهده نمود که اگرچه این تفکر - که در ظاهر آشکارا تفکری زرتشتی است - نتوانسته است در متنی متعلق به ادبیات دوره اسلامی به آسانی مجال بروز یابد، اما رد پای فرهنگی و معنی‌شناختی از خود بر جای نهاده است که البته هرچند دلالتی استوار بر حضور امشاسپندان ندارد اما احتمال حضور و تأثیر آنها را طرح و برجسته می‌نماید. نگارنده در مقالات متعدد حضور آشکار و پنهان امشاسپندان هفت‌گانه را در شاهنامه بررسی کرده است که مقاله حاضر از آن میان تنها به دو امشاسپند خرداد و امرداد می‌پردازد و حضور امشاسپندان دیگر در شاهنامه را باید در جستارهای دیگر وی جست‌وجو نمود.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که اگر از آثار نسبتاً پرشماری که ضمن شرح و گزارش شاهنامه نیم‌نگاهی نیز به تأثر آن از فرزادگی ایران باستان افکنده‌اند بگذریم، به پژوهش‌هایی معدود و انگشت‌شمار نیز بر می‌خوریم که تماماً به مبحث تأثیرات حکمت و تفکر مزدایی بر شاهنامه پرداخته‌اند که نگارنده در این میان به چندین مقاله و پایان‌نامه مفید و ارزشمند در این حیطه دست یافته و استفاده‌های فراوان از آنها برده است. از آن جمله مقاله «هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه فردوسی» (اکبری مفاخر، ۱۳۸۹) به بازتاب یکی از مهم‌ترین اجزای سامانه باورشناختی ایران باستان در شاهنامه پرداخته است. پایان‌نامه تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان بازتاب دین و فرهنگ مزدایی در شاهنامه (قاسم‌پور، ۱۳۸۸) به مطالعه تطبیقی میان باورها و اندرزه‌های شاهنامه فردوسی با متون اوستایی و پهلوی پرداخته است. پایان‌نامه دیگری با عنوان تحلیل و بررسی آرای فلسفی ایرانی پیش از اسلام در شاهنامه فردوسی (سهرابی، ۱۳۸۷) اطلاعات و اشارات سودمندی درباره برخی تأثیرات شاهنامه از آرای فلسفی موجود در متون اوستایی و پهلوی ارائه کرده است.

اما گذشته از این‌ها، اثر بسیار مهمی - که در حوزه تأثیر اندیشه‌های باستانی ایران بر ادب فارسی دوره اسلامی نسبت به سایر پژوهش‌ها دارای فضل تقدم به شمار می‌رود کتاب «مزدیسنا و ادب پارسی» (معین، ۱۳۸۴) است؛ اما واقعیت این است که - شاید به دلیل تنگ‌مائیگی موضوع امشاسپندان در شاهنامه و نیز عدم توجه به بحث ویژگی‌های امشاسپندان و یافتن نشانه‌های گمان‌آمیز و پنهان این اندیشه در لایه‌های درونی تر متن، در هیچ یک از آثار یاد شده هیچ تمرکزی بر این مقوله دیده نمی‌شود. برای نمونه در کتاب مزدیسنا و ادب پارسی، اگرچه در یک موضع به بازتاب باورهای آریایی پیشازرتشتی در شاهنامه (همان، ج ۱: ۵۸ - ۷۴)، در موضعی دیگر به موضوع بازتاب جهانی‌بینی و خدانشناسی زرتشتی در ادبیات فارسی (همان: ۲۶۸ - ۲۷۲) و در گفتاری دیگر نیز به مطلب مزدیسنا و فردوسی (همان، ج ۲: ۸۶ - ۱۴۳) پرداخته شده است؛ اما در هیچ یک از این مواضع مستقلاً حضور امشاسپندان در شاهنامه مورد بحث قرار نگرفته است و از این منظر دیدگاه پژوهش حاضر و جنس نگاه پژوهشگر را (تا آنجا که دانش و اطلاع نگارنده گویای آن است) به طور قطع می‌توان بی‌پیشینه و نوین تلقی نمود.

در اینجا به منظور پرهیز از حواشی غیر ضروری از تعریف مفصل امشاسپندان صرف نظر کرده، به بیان این نکته بسنده می‌کنیم که اینان شش یا هفت مفهوم قدسی الهیات زرتشتی هستند که در ادوار و نوشته‌های نخستین مزدایی تنها به عنوان برترین صفات اهورامزدا مطرح بوده‌اند و در بازگفت‌های متأخر رفته‌رفته به نخستین و برترین آفریدگان خدای یگانه دگرگون شده‌اند. بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد نام‌های این جاودانان نیروبخش است که گاه سپندمینو نیز به عنوان نخستین آنان به این گروه افزوده شده است (بهار، ۱۳۸۶: ۹۴؛ شیر خدایی، ۱۳۹۱: ۸۶؛ به نقل از: Boyce, M., A History of Zoroastrianism, Leiden, 1975, vol.1, pp.2, 69-71؛ اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۱۹، ۲۱۲، ۳۰۲، ۳۱۶ و ۴۴۸؛ رضی، ۱۳۴۶).^۱

سرانجام به عنوان توضیحی درباره روش‌شناسی این پژوهش باید گفت که در مقاله حاضر از روش تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. روش تحلیل محتوا به روشی در پژوهش اطلاق می‌شود که پژوهشگر بر مبنای آن تمامی نشانه‌ها و شواهد موضوع مورد پژوهش خود را پس از جمع‌آوری و استخراج از متن، مورد شمارش و احصا قرار می‌دهد و در طی فرایند تحقیق تمامی نمونه‌های مفهومی متن را از حالت کیفی و مفهومی به صورت کمی و آماری درآورده، پس از شمارش این نشانه‌ها و به دست آوردن تمامی نسبت‌ها و کمیت‌های مربوط به آنها به تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده می‌پردازد (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۷۵ - ۲۷۷). برای انجام این روش، سه مرحله را برشمرده‌اند: نخست مرحله تحلیل ابتدایی، دوم به دست آوردن مواد اولیه تحقیق و سرانجام بررسی نتایج، استنباط و تفسیر (باردن، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

در این جستار با بهره‌گیری از روش فوق و با رجوع به شاهنامه چاپ مسکو، یکی از نسخ و ویراست‌های معتبر شاهنامه، حضور امشاسپندان خرداد و امرداد را در این متن در دو حوزه مطالعه کرده‌ایم. نخست حضور آنان در قالب اشاره یا اشارات صریح و مستقیم - که طبعاً با ذکر نام آنها همراه است - و دوم نشانه‌های غیر مستقیم که مراد از آن، حضور معانی و کارکردهای آن دو بدون ذکر نام آنان است که می‌تواند تقویت‌کننده احتمال تأثیرپذیری متن از اندیشه امشاسپندان باشد. برای این منظور نخست با مراجعه به اوستا و سایر منابع زرتشتی - اعم از ترجمه متون پهلوی و نیز

۱. نیز در خصوص شکل صحیح آوانویسی واژه‌های پهلوی و اوستایی بنگرید به: مکنزی، ۱۳۷۳، فرهنگ کوچک زبان

گزارش‌ها و پژوهش‌هایی در پیوند با آنها - به جمع‌آوری معانی و کارکردهای عمومی امشاسپندان و نیز معانی اختصاصی دو امشاسپند خرداد و امرداد مبادرت کردیم و به منظور آسان‌تر شدن تحلیل و بررسی داده‌ها، آنها را در قالب یک جدول جمع‌آوری نمودیم. آنگاه مطالعه دقیق تمامی ابیات شاهنامه را در پیش گرفتیم که هدف از آن، یافتن نشانه‌های مستقیم و غیرمستقیم حضور این دو امشاسپند و ثبت آن نشانه‌ها بود. منظور از نشانه‌های مستقیم موضعی است که نام این دو در متن آمده و آگاهانه به آنان اشاره شده است؛ اما هر موضع از متن که هرچند حاوی نام و ذکر صریح این دو نیست؛ اما مجموع ویژگی‌های عمومی و دست کم یکی از اختصاصات این دو امشاسپند در آن قابل مشاهده است به عنوان نشانه گمان‌آمیز یا غیر مستقیم لحاظ شده و مجموع آنها در جدول نشانه‌های گمان‌آمیز گرد آمده‌اند. در ادامه خواهیم دید که مجموع ویژگی‌های عمومی دارای ارزشی معادل شش واحد هستند و هر یک از ویژگی‌های اختصاصی نیز ارزشی برابر با یک واحد دارد. لذا مواردی را به عنوان نشانه‌های غیر مستقیم به شمار آورده‌ایم که از این حیث دارای ارزشی برابر با هفت واحد (یعنی معادل با تمامی ویژگی‌های عمومی و دست کم یکی از ویژگی‌های اختصاصی) باشد. در نهایت محتوای هر یک از جدول‌ها را به طور جداگانه، همچنین دست‌آورد پژوهش را به طور کلی مورد تحلیل و تفسیر محتوایی قرار داده‌ایم.

ویژگی‌های عمومی امشاسپندان

پیش از پرداختن به هر یک از امشاسپندان به طور جداگانه، ضروری است که در صدد جستن ویژگی‌های عمومی و مشترک میان تمامی آنان برآییم. در اینجا ویژگی‌های مشترک امشاسپندان را - که از طریق تفحص و تأمل در منابع موجود و با روش استقرا به دست آمده است - بیان می‌کنیم.

۱- ارتباط و همراهی با خداوند

نسبتی که بر اساس متن گاهان در میان خداوند و امشاسپندان وجود دارد نسبت ظاهر و مظهر است. چنان که خداوند - که کلی محض و به خودی خود فاقد هرگونه جلوه و نمود عینی و خارجی است - به سبب این چهره‌های سپند و مینوی است که به ظهور و آشکارگی می‌رسد و در نتیجه به فهم انسان نزدیک می‌شود.

«هورامزدا کلی است و این فروزه‌ها قائم به او هستند؛ ولی هورامزدا بر هر یک از فروزه‌های خود حمل می‌شود. این لازمه کلی بودن است» (مهر، ۱۳۸۴: ۱۷). این یگانگی و امتزاج معنایی تا آنجا پیش می‌رود که «گاهی در اوستا هورامزدا و شش فروزه با هم به عنوان هفت امشاسپند ذکر شده‌اند که چیزی جز یکی بودن هورامزدا با شش فروزه‌اش را نمی‌رساند» (همان: ۲۳).

موضوع یگانگی امشاسپندان با هورامزدا یا نزدیکی آنها به خداوند تنها به کارکرد و جلوه هستی‌شناختی و الهیاتی آنها محدود نیست؛ بلکه در زمینه انسان‌شناسی و حکمت عملی نیز نمودهایی مهم و ارزشمند دارد.

«آموزه شش نامیرای فزونی‌بخش در تعالیم زرتشت از پیامدهای روحانی و اخلاقی گسترده‌ای برخوردار است. چه این موجودات، مظهر صفات خود هورامزداوند و به نوبه خویش اگر حقیقتاً طلب یا پرستیده شوند، می‌توانند این صفات را به مردمان بخشند» (بویس، ۱۳۸۶: ۴۷). از همین رو باید دانست که نه تنها برای پی بردن به هستی‌شناسی و خداشناسی مزدایی، بلکه برای راه بردن به ساحت انسان‌شناسی فرزندگان باستانی ایران نیز باید از دروازه امشاسپندان گذشت. چرا که همان‌گونه که خداوند جمال و کمال خود را در این شش چهره می‌نمایاند، انسان نیز برای خداگونه شدن و دست یافتن به رسایی و کمال خود می‌باید از این شش گذرگاه گشاده آسمان و این شش مرحله سلوک بگذرد تا آن که به مقام و مرتبه دیدار خداوند و زندگانی جاودانه دست یابد.

۲- برتری از دیگر آفریدگان

امشاسپندان به عنوان مفاهیم انتزاعی برترین صفات خداوند و در جایگاه موجودات انضمامی نیز برترین آفریده‌های یزدان پاک به شمار می‌روند. اساساً این برتری و سروری یک ویژگی عام است که همه آن مقدسان بی‌مرگ را در بر می‌گیرد. این امر از نام‌های هر یک از آنان نیز به سادگی قابل برداشت است (بویس، ۱۳۷۶: ۴۶).

بنابراین تنها حضور مفاهیم خرد، راستی، توانایی، فروتنی و... به معنی حضور و ظهور امشاسپندان نیست؛ بلکه هرگاه سخن از خرد نیک و اهورایی یا برترین اندیشه، بهترین پاکی و راستی، آرمانی‌ترین قدرت، پاک‌ترین و مقدس‌ترین آرامش و اخلاص و... به میان آید، آنگاه می‌تواند گویای رد پای از امشاسپندان و گستراننده شمیم خوش آن خوش‌بویان مینوی در جهان ما تلقی گردد.

علاوه بر این، یکی از خویشکاری‌ها یا وظایف امشاسپندان در دوره‌های پس از اوستای کهن ایفای نقش آنها به عنوان «ارباب انواع» است. به بیان دیگر هر امشاسپند را موکل یا نگهبان یکی از مظاهر طبیعت دانسته‌اند. از میان اندیشمندان مسلمان، شیخ شهاب‌الدین سهروردی در رویارویی با امشاسپندان ایرانی پیش و بیش از هر چیز به کارکرد رب‌النوعی آنان نظر داشته و بر آن تأکید می‌ورزد (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۶۱، ج ۲: ۱۵۷) و این امر تأییدی بر ویژگی برتری و سروری امشاسپندان نسبت به دیگر آفریدگان خداوند به شمار می‌رود.

۳- پیوند و همراهی امشاسپندان با یکدیگر

امشاسپندان از همان آغاز که در سرودهای آسمانی زرتشت مجال بروز یافته‌اند در اغلب موارد به همراه هم و در پیوند با یکدیگر ذکر شده‌اند. گویا به طور طبیعی در نگاه پیامبر و در ذهن پیروان وی این موجودات یا صفات سپند به لحاظ ماهوی همانند یک سامانه به هم پیوسته جلوه‌گر شده است. سامانه‌ای که اجزای آن تنها در صورتی می‌توانند در کمال وجودشناختی و معنی‌شناختی خود لحاظ شوند که در همان پیوند سرشتین و سامانه‌ای خود مورد توجه قرار گیرند. این امر در اغلب بندهای گاهان که در آنها از امشاسپندان یاد شده است، به آشکاری قابل مشاهده است. نمونه را در هات ۴۷، بند نخست چنین می‌خوانیم:

اهورامزدا در پرتو سپندمینو و بهمن با کنش نیک و گفتار نیک توأم با اشا به وسیله شهرپور و آرمیتی به ما خرداد و مرداد را ارزانی می‌دارد (یسنا، ۴۷: ۱).

البته در متن گاهان برای فروزه‌های اهورامزدا ترتیب یا درجه ویژه‌ای لحاظ نشده است؛ اما از مفهوم بیشتر عبارات آن می‌توان دریافت که انسان برای رسیدن به رسایی و بی‌مرگی ناگزیر است فروزه‌های راستی، توانایی و مهرورزی را نیز در خود بی‌وراند. پیام‌آور ایرانی همچنین در برخی از سروده‌هایش این شش فروزه را با هم و در برخی دیگر به مناسبت موضوع، هر کدام را به تنهایی یا چند فروزه را در پیوند با یکدیگر آورده است که همراهی دو یا چند امشاسپند با یکدیگر بیشتر جلب نظر می‌کند.

اما هنگامی که متون و آموزه‌های جدیدتر را برمی‌رسیم این سامانه جلوه‌ای بیشتر و پررنگ‌تر دارد. برای نمونه در کتاب بندهش - متنی پهلوی که به تبیین هستی و آفرینش از دیدگاه دیانت مزدایی

پرداخته است - گذشته از ذکر ترتیب طولی آفرینش امشاسپندان، از تطبیق و هماهنگی آن با جهان طبیعت یا گیتی نیز سخن رفته است (بهار، ۱۳۸۰: ۴۸).

سامانه امشاسپندان در اندیشه و باور مزدایی نمودهایی گوناگون دارد که یکی از این نمودها به ذات و حقیقت وجود اهورامزدا باز می‌گردد. در واقع این سامانه بیان‌کننده صفات ذات حق است که از یک سو در کلیت خود آشکارکننده حقیقت وجود او و از دیگر سو هر یک از اعضای آن شناسنده و گویای دیگر هموندان این سامانه است (سخایی، ۱۳۸۲: ۱۴۰؛ به نقل از آسموسن: ۱۰۶).

یگانگی و هماهنگی امشاسپندان و حضور آنان در یک سامانه را می‌توان در زمینه‌ها و جلوه‌گاه‌هایی دیگر نیز نمایان دید. از آن جمله در زمینه باورهای هستی‌شناختی، شهودی و عرفانی (مهر، ۱۳۸۴: ۲۳، بویس، ۱۳۸۶: ۴۵)، در حوزه انسان‌شناسی و نوع نگاه به مقوله انسان (همان: ۴۷)، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی (سرکاراتی، ۱۳۵۷: ۲۴) و جز این‌ها پیوستگی و سامان‌مندی امشاسپندان شایان توجه است که برای پرهیز از درازگویی از بسط مطالب در این باره چشم‌پوشی می‌کنیم.

البته نگارنده در حین استخراج نشانه‌های غیرمستقیم امشاسپندان از متون مورد پژوهش تنها به همراهی یک یا دو مورد از مفاهیم امشاسپندان با یکدیگر بسنده نکرده است. بلکه تنها هنگامی این هماهنگی را به عنوان یکی از نشانه‌های حضور امشاسپندان در نظر گرفته است که گویای گونه‌ای سامان‌مندی و یگانگی معنادار باشد و همه شش امشاسپندان و یا دست کم نیمی از آنها در یک مجموعه گرد هم آمده باشند.

۴- هرگونه تأکید و برجسته‌سازی مؤثر و آشکار لفظی یا معنوی

با نظر به اهمیت بسیار زیاد و برجستگی فراوان اندیشه امشاسپندان در نظام فکری و اعتقادی ایران باستان، نگارنده تأکید و برجستگی را نیز از نشانه‌های احتمال حضور امشاسپندان یا تأثر از این اندیشه محسوب نموده است. توضیح این که گاه در یک متن که نزدیکی خاصی به حوزه فکری ایران باستان در آن آشکار است، مشاهده می‌شود که از مفاهیمی همچون خرد، راستی، توانایی، فروتنی، کمال و جاودانگی با گونه‌ای تأکید سخن به میان می‌آید. این تأکید می‌تواند در یک متن فلسفی به صورت اقامه برهان و استدلال نمایان گردد و یا در متنی ادبی به صورت تأکیدهای لفظی و معنوی رایج در حوزه ادبیات جلوه‌گر شود.

ما در این پژوهش عنصر تأکید را تنها در موضعی به عنوان یکی از نشانه‌های حضور احتمالی امشاسپندان قلمداد کرده‌ایم که یا بسیار بارز و معنادار بوده، یا دست کم با یکی از نشانه‌های دیگر همراه باشد و در غیر این صورت هر تأکیدی را مورد توجه قرار نداده‌ایم.

۵- پیوند با فضای فکری و فرهنگی ایران باستان

به نظر نگارنده در میان همه ویژگی‌های امشاسپندان، آن که بیش از همه دارای اهمیت است تعلق و پیوند با فضای فکری، فرهنگی و تمدنی ایران باستان است. اهمیت این ویژگی هنگامی آشکارتر می‌گردد که با ایراد و انتقادی مهم در مسیر جست‌وجوی حضور امشاسپندان در متون غیر زرتشتی مانند شاهنامه مواجه شویم. این انتقاد به درستی بر این نکته انگشت می‌گذارد که: چه تفاوتی میان این متن با همانندان آن وجود دارد؟ آیا به صرف این که در شاهنامه فردوسی سخن از خرد نیک یا پاکی و راستی و... به میان آید باید آن مفاهیم را نتیجه تأثیرپذیری از موضوع امشاسپندان دانست؟ و آیا این مفاهیم در متون دیگر ادبی و فلسفی ما نیامده است؟ آیا نمی‌توان مطابق با همین مبنا عین همین رفتار را با سایر متون مشابه انجام داد؟

نگارنده به عنوان پاسخی درخور به ایراد یاد شده، بر این ویژگی مهم امشاسپندان انگشت می‌نهد. بر همین اساس دلیل انتخاب شاهنامه نیز قرابت و خویشاوندی زبان و اندیشه حاکم بر آن با فضای فرهنگی، فلسفی و اعتقادی ایران باستان بوده است. نیز به همین دلیل حضور این ویژگی را در مواردی که متبادر کننده معانی و کارکردهای امشاسپندان محسوب می‌شود بسیار مهم و اساسی می‌دانیم و از همین رو در ارزش‌گذاری کمی نیز ارزش مضاعف (معادل دو امتیاز) را برای آن لحاظ کرده‌ایم.

ویژگی‌های اختصاصی امشاسپند خرداد

اکنون که با ویژگی‌های عمومی و مشترک میان تمامی امشاسپندان آشنا شدیم، ضروری است که معانی و کارکردهای اختصاصی دو امشاسپند مورد پژوهش را نیز از نظر بگذرانیم. نخست نگاهی به مجموعه کارکردها، معانی و نقش‌های خرداد می‌افکنیم و آنگاه در خصوص اختصاصات امرداد بحث خواهیم نمود.

۱- کمال، رسایی، پروردگی و تمامیت

با توجه به ساخت واژه خرداد درمی‌یابیم که «خرداد» از ترکیب صفت اوستایی «هئوروه» (اوستایی: *haurva*، فارسی: «هر») و پسوند اسم مصدر مؤنث‌ساز «تات» تشکیل شده و به معنای «کمال، رسایی و خدشه‌ناپذیری» است (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۲۱۲)؛ بنابراین خرداد (اوستایی: *haurvatāt*) به معنی امشاسپند کمال یافته مؤنث است.

از بارزترین معانی خرداد تمامیت، کمال و پُری است (هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵). خرداد از صفات خداوند است که به کمال وجودی و تمامیت آن ذات پاک اشاره می‌کند. فرهنگ مهر در کتاب «دیدنی نو از دینی کهن» در این باره می‌نویسد: «اهورامزدا گوهر کمال است. او همه خوبی‌ها را در خود دارد و همه خوبی‌ها را از خود می‌دهد. کمال نمادی از خودشناسی اهورامزداست» (مهر، ۱۳۸۴: ۱۶).

۲- سلامت و آبادانی جهان و انسان

اگر مطلق کمال و رسایی - که از صفات خداوند و منسوب به وی است - بعد مینوی این امشاسپند را آشکار می‌سازد، معنای صحت و سلامت انسان و آبادانی جهان نیز بیان‌کننده بعد دنیوی اوست. از معانی خرداد نجات انسان، آب و آبادانی است. او و آمرداد سرچشمه زندگانی هستند و هدیه آنها به انسان ثروت و رمة چهارپایان است (هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵).

خرداد سرور سال‌ها و ماه‌ها و روزهاست و این از این روی است که او سرور همه است ... و زمین را نیز آبادانی از اوست. چون اندر سال اگر نیک شاید زیستن به سبب خرداد است» (بنداهش، نک. بهار، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه ضمن اشاره به جشن خردادگان و با اشاره به کمال پرورش مواهب و مظاهر طبیعی می‌نویسد: *رئال جامع علوم انسانی*
خردادماه، روز ششم آن روز خرداد است و آن عیدی است که به واسطه اتفاق دو نام خردادگان نام دارد و معنای آن ثبات خلق است و خرداد ملکی است که به تربیت خلق و اشجار و نبات و ازاله پلیدی از آب‌ها موکل است (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۸۶).

نیز دینشاه ایرانی با ذکر همین نکته، استنباطی اخلاقی - اجتماعی را در پیوند با آن مطرح می‌کند:

کمال روحانی و دماغی بدون کمال جسمانی ناقص می‌باشد؛ بنابراین صحت جسمانی به وسیله «هئوروات» به ما عطا می‌گردد. این امر نه فقط به معنی حفظ صحت وجود انسان است، بلکه حفظ صحت دهها و شهرها و ممالک را نیز در بر می‌گیرد (ایرانی، ۱۳۶۱: ۱۰۵).

۳- همراهی با مفهوم جاودانگی یا امرداد

یکی از ویژگی‌های مهم هر دو امشاسپند خرداد و امرداد این است که همواره هرگاه در متون زرتشتی سخنی از آنان رفته است، این دو به همراه یکدیگر ذکر شده‌اند. در گاتاها چه آنگاه که تنها یک بار به طور مستقیم به عنوان دو امشاسپند از آنها نام برده شده است:

دادخواهیم را که (به نزد شما) می‌آورم فراشناس ای بهمن و درودم را از برای چون شمایی ای مزدا، ای آردیبهشت و به سخنان ستایشم بخشایش پایدارتان را ارزانی دارید ای خرداد و امرداد (یسنا، هات ۳۳، بند ۸).

و چه در سایر موارد که معنای لغوی آنها یعنی کمال و دوام مورد نظر بوده است: ای سرور خردمند که آب‌ها و گیاهان و گاو را آفریدی، به من ارزانی دار کمال و بی‌مرگی را (یسنا، هات ۵۱، بند ۷؛ نیز نک. یسنا، هات ۳۴، بند ۱۱؛ هات ۴۵، بند ۵ و ۱۰؛ هات ۴۷، بند ۱)، همواره و در همه جا این دو در کنار یکدیگر و به همراه هم آمده‌اند (بندهش، نک. بهار، ۱۳۸۶: ۷۳).

این همراهی نام و مفهوم دو امشاسپند از کشفی مینوی حکایت می‌کند. گویا نهان‌بینان مزدایی و فرزندان خسروانی به این کشف نایل آمده بودند که راه رسیدن به بی‌مرگی، نائل شدن به کمال، رسایی و خودشناسی است و دو مقام کمال و بقای وجودی لازم و ملزوم یکدیگر و جدایی‌ناپذیر هستند (مهر، ۱۳۸۴: ۱۶).

۴- نماد و رب النوع آب

به دلیل همراهی خرداد با مفاهیم سلامت، شادابی، آبادانی و تندرستی، این امشاسپند رب‌النوع و نگاهبان آب‌ها دانسته شده است. دشمن وی نیز دیو تشنگی است که به دست وی از پای در خواهد آمد (هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵؛ زامیادیش، بند ۹۶).

در این باره در بندهش می‌خوانیم:

ششم از امشاسپندان خرداد است که از آفرینش گیتی آب را به خویش پذیرفت. به یاری و همکاری خرداد بود که تیر و باد و فروردین داده شده‌اند (بهار، ۱۳۸۰: ۴۹).

او را آب مایملک دنیوی است. هستی و زایش و پرورش همه موجودات مادی جهان از آب است... از میان ایزدان همکار خرداد، وظیفه تیر باران‌آوری و پرورش آفریدگان، وظیفه باد رساندن آب به همه سرزمین‌ها و فروردین نیز مأمور نگاه داشتن فروهر و روان نیکان است (همان: ۱۱۵).

ویژگی‌های اختصاصی امشاسپند آمرداد

۱- جاودانگی، بقا، دوام

آمرداد یا «امرات» (اوستایی: amərətāt) از سه جزء تشکیل شده است: «آمر+تات». جزء اول پیشوند نفی است؛ جزء دوم از ریشه فعلی «مر» (اوستایی: mar) به معنی «مردن» است و جزء سوم پسوند مؤنث‌ساز «تات» است؛ بنابراین امرتات یا آمرداد به معنی بی‌مرگی، نامیرایی، جاودانگی و دوام است (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۰۲).

مهم‌ترین معنی و کارکرد آمرداد، جاودانگی و بی‌مرگی است که از یک سو مسبوق به صفت کمال و رسایی است و از سوی دیگر صفاتی از صفات خداوند است. نیز ویژگی مینو و همه باشندگان مینو است (هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵).

نکته شایان توجه این است که جاودانگی و بی‌مرگی علاوه بر این که ویژگی اهورامزداست، ویژگی عام امشاسپندان نیز هست؛ چنان که مفهوم جاودانگی و بی‌مرگی در واژه امشاسپند آشکار است و این خود گویای حضور نوعی وحدت وجود در سامانه باورشناختی مزدایی محسوب می‌شود.

۲- هرگونه اشاره به زندگانی مینوی، بهشت و دوزخ، تمثیل آب حیات

اگرچه این ویژگی امشاسپند آمرداد شاید به استواری، استقلال و برجستگی سایر ویژگی‌های آن نباشد؛ اما نگارنده با مطالعه متون مختلف مشاهده کرده است که گاه به گونه‌ای از جهان مینوی و موجودات معنوی سخن به میان می‌آید که اگرچه به تلویح و در لفافه اما به هر حال صفت جاودانگی آنها را به ذهن متبادر می‌کند. از همین رو هرگونه یادکرد از بُعد مینوی جهان هستی را - به شرط اشاره‌ای

هرچند ناچیز، حاشیه‌ای و ضمنی به مفهوم ابدیت - نشانه‌ای از احتمال حضور و یا تأثیر امشاسپند امرداد تلقی نموده‌ایم.

۳- همراهی با کمال و رسایی یا امشاسپند خرداد

چنان که در گفتار مربوط به امشاسپند خرداد اشاره شد، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دو امشاسپند، همراهی این دو با هم و در کنار هم است. ما بنا به توضیحاتی که در این باره ارائه شد، همگامی این دو مفهوم با یکدیگر را از اختصاصات این دو قلمداد خواهیم نمود. پیش از این شواهدی را در این باره ارائه کردیم که در اینجا برای پرهیز از درازگویی از تکرار آن مطالب صرف نظر می‌کنیم.

۴- نماد و رب النوع گیاه

از آنجا که جاودانگی اهورامزدا متلازم با مفهوم حیات جاودانه اوست، نیز نوع گیاه سمبل سرسبزی و سرزندگی به شمار می‌رود، بنابراین امشاسپند امرداد از دیرباز به عنوان نگاهبان و رب النوع گیاهان قلمداد شده است. او سرور گیاهان و سرچشمه زندگی و رویش بوده و دشمن این امشاسپند دیو گرسنگی است (آموزگار، ۱۳۸۵: ۱۸؛ هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵). درباره امرداد در بندهش آمده است:

امرداد از آفرینش گیتی گیاه را به خویش پذیرفت. به یاری و همکاری او ایزدان رشن، اشتاد و زامیاد داده شده‌اند (بهار، ۱۳۸۰: ۴۹).

امرداد بی‌مرگ سرور گیاهان بی‌شمار است؛ زیرا او را به گیتی گیاه خویش است. گیاهان را رویاند و رمه گوسپندان را افزایش؛ زیرا همه آفریدگان از او خوردند و زیست کنند (همان: ۱۱۶). بیرونی در آثارالباقیه درباره جشن امردادگان می‌نویسد:

مردادماه روز هفتم آن روز مرداد است و آن روز را عید می‌گیرند و به واسطه توافق دو نام مردادگان گویند و معنای مرداد آن است که مرگ و نیستی نداشته باشد و مرداد فرشته‌ای است که به حفظ گیتی و اقامه غذاها و دواهایی که اصل آنها نبات است و مزیل جوع و ضرر و امراض هستند موکل است (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۸۹).

آنچه تا کنون تحت نام ویژگی‌های عمومی و اختصاصی امشاسپندان طرح گردید، به منظور آسان شدن امر پژوهش و نیز برای استفاده از امکان کدگذاری در قالب یک جدول ارائه شده است که با نام «جدول شماره یک» در بخش پیوست‌های این جستار موجود است. ما در ادامه این پژوهش در

تمامی تحلیل‌ها به جای ذکر نام هر ویژگی از علایم اختصاری و کدهای درج شده در این جدول بهره خواهیم برد.

نشانه‌های خرداد و امرداد در شاهنامه

در شاهنامه تنها یک بار از تمامی امشاسپندان (البته بجز سپند مینو) به طور آشکار و با ذکر نام یادی رفته است. رستم در پیشگاه کیخسرو آنگاه که آن پادشاه دادگر و اهورایی را می‌ستاید، خداوند و کارگزاران مینوی‌اش را می‌خواند و آنان را یار و یاور شاه می‌خواهد. رستم در این دعاگویی راست‌رویانه و بنده‌وار، خرداد و امرداد را به همراه یکدیگر یاد می‌کند و آن دو را مایهٔ ثمردهی و یآوری یاران و نیز مایهٔ شادمانی پادشاه از بوم و بر خود می‌داند.

بر آورد سر آفرین کرد و گفت مبادت جز از بخت پیروز جفت^۱
 چو هر مزد بادت بدین پایگاه چو بهم ننگهبان فرسخ کلامه
 همه ساله آردی هشت هژیور ننگهبان تو با هوش و رای پیر
 چو شهریورت باد پیروزگر به نام بزرگی و فر و هنر
 سپندارمذ پاسبان تو باد خرد جان روشن روان تو باد
 چو خردادت از یاوران بر دهاد ز مرداد باش از بر و بوم شاد
 علاوه بر این هشت بار دیگر نیز نام خرداد در شاهنامه برده شده و در ضمن آن به خردادماه و خردادروز اشاره شده است. خرداد در گاهشماری ایرانی نام سومین ماه سال و نیز ششمین روز هر ماه است؛ اما شگفت این است که در تمامی شاهنامه هیچ نام و یادی از مردادماه و مردادروز نیافتیم. اگرچه ذکر روز و ماه خرداد پیوندی مستقیم و آشکار با هدف این پژوهش برقرار نمی‌تواند کرد، اما از آنجا که نهادن نام امشاسپندان و ایزدان بر روی ماه‌ها و روزها در گاهشماری باستانی ایران خود به معنای برقرار کردن گونه‌ای پیوند نهانی و ذهنی در میان آنان با عنصر زمان و نیز به منزلهٔ یادمانی برای این مینویان سپند و ارجمند محسوب می‌شود و بنا بر این در این نوع کاربرد نیز اثری از معانی و

۱. جز بخت پیروز، جفت دیگری برای تو مباد.

شخصیت‌های امشاسپندان می‌توان یافت، به هر روی هر هشت بیتی را که در آنها از خردادماه و خردادروز سخنی رفته است در ادامه می‌آوریم.

۱- در داستان پادشاهی ضحاک

برون رفت خرم به خردادروز به نیک اختر و فال گیتی فروز
(همان، ج ۱، ضحاک: ۲۷۰)

۲- در داستان پادشاهی بهرام گور

به شبگیر هرمزد خردادماه از آن دشت سوی دهی رفت شاه
(همان، ج ۷، بهرام گور: ۱۳۳۳)

۳- بیتی دیگر در داستان بهرام گور

که تاج کیان یافت از یزدگرد به خردادماه اندرون روز ارد
(همان: ۱۹۱۶)

۴- در داستان پادشاهی کسری نوشین روان

وز این خوردنی‌های خردادماه نکردی به کار اندرون کس نگاه
(همان، ج ۸، کسری: ۸۱)

۵- نیز در پادشاهی کسری، ماجرای نبرد خاقان چین با هیتالیان

برفت از بر گاه گیتی فروز به فرخنده فال و به خردادروز
(همان: ۲۱۳۶)

۶- در داستان پادشاهی کسری، نامه کسری به هرمزد

به ماه خجسته به خردادروز به نیک اختر و فال گیتی فروز
(همان: ۳۸۲۹)

۷- در داستان پادشاهی هرمزد

پراندیشه از بلخ شد سوی ری به خرداد فرخنده در ماه دی

(همان: ۱۶۹۷)

۸- در داستان پادشاهی یزدگرد

شبهان گاه نیران خرداد ماه سوی آسیا رفت نزدیک شاه

(همان، ج ۹، یزدگرد: ۶۲۹)

اما گذشته از یادکردها و اشارات صریح و با ذکر نام، به مواردی در متن شاهنامه بر می‌خوریم که اگرچه اشاره‌ای آشکار به نام این دو امشاسپند ننموده و تأثیری مستقیم از آنها نپذیرفته‌اند، اما ویژگی‌های عمومی و اختصاصی یاد شده چندان در آن مواضع جمع آمده و نمایان شده است که ما را وامی‌دارد که آن مواضع را نشانه‌هایی هرچند گمان‌آمیز و غیر مستقیم برای امشاسپندان خرداد و امرداد تلقی کنیم. این نشانه‌ها را در دو جدول جمع آورده‌ایم. جدول شماره دو دارای ۱۳ نشانه امشاسپند خرداد و جدول شماره سه حاوی ۱۷ نشانه امرداد در متن شاهنامه هستند که در بخش پیوست‌های این مقاله آمده‌اند. در ادامه به تحلیل تمامی نشانه‌های این دو امشاسپند و بحث و گفت‌وگو درباره آنها خواهیم پرداخت.

تحلیل و بررسی

۱- با تأمل در تنها مورد حضور آشکار نام و مفهوم دو امشاسپند خرداد و امرداد در شاهنامه در می‌یابیم که این امشاسپندان همچون هم‌رده‌های خود به همراه مفهوم خداوند آمده‌اند؛ به عنوان برترین آفریده‌های یزدان و به مثابه مقدس‌ترین مخلوقات وی از آنان یاد شده است؛ به عنوان دو عضو از سامانه امشاسپندان در کنار بقیه آنان قرار گرفته‌اند؛ و پیوندی آشکار با فضای فکری و فرهنگی ایران باستان دارد. نیز قرار گرفتن نام امشاسپندان به رده و ترتیب پس از نام اهورامزدا و یاد کردن رستم از آنان در پیشگاه کیخسرو پیش از هر سخن دیگر گویای گونه‌ای تأکید و برجستگی آنان در متن محسوب می‌تواند شد. در نتیجه حضور و کاربرد دو امشاسپند مورد نظر با تمامی ویژگی‌های عمومی و مشترک امشاسپندان همراه شده است.

نیز از میان ویژگی‌های اختصاصی خرداد - که پیش از این به آنها اشاره شد، - نخست همراهی با امشاسپند امرداد و مفهوم جاودانگی و دوم همراهی با مفاهیم ثمر دادن و شادمانی ناشی از آبادانی بوم و بر در ابیات این موضع از شاهنامه جلب نظر می‌کند. همچنین به عنوان اختصاصات امرداد می‌توان به مفهوم پایداری و جاودانگی پادشاهی و نیز همراهی با امشاسپند خرداد اشاره کرد. حاصل این که هر دو امشاسپند علاوه بر بهره‌مندی از تمامی ویژگی‌های عمومی با دو مفهوم اختصاصی خود نیز همراه شده‌اند. توجه به نکات فوق - یعنی بهره‌مندی تنها نشانه استوار دو امشاسپند خرداد و امرداد از ویژگی‌های عمومی و اختصاصی می‌تواند بیان‌کننده صحت استنباط و تشخیص این ویژگی‌ها تلقی گردد.

۲ - حضور آشکار و صریح هر دو امشاسپند در شاهنامه به گونه‌ای است که اولاً انگاره تأثیرپذیری شاهنامه از باورهای دینی ایران باستان را در لایه‌های بیرونی تر و ظاهرتر آن مورد تردید جدی قرار می‌دهد؛ چنان که مجموعه امشاسپندان چونان مهم‌ترین عنصر دینی و باورشناختی ایران مزدایی در تمامی متن شاهنامه تنها یک بار مورد تصریح واقع شده و یک به یک بر شمرده شده‌اند. ثانیاً هر دو امشاسپند به طور یکسان و تنها یک بار در متن حضور یافته‌اند.

۳ - دیدیم که خرداد و امرداد به همراه دیگر امشاسپندان تنها یک بار از زبان رستم در پیشگاه کیخسرو، پاک‌ترین انسان و آرمانی‌ترین شه‌ریار ایرانی ذکر شده‌اند. در این نخستین و واپسین یادکرد امشاسپندان و خصوصاً این دو امشاسپند معانی و حقایقی ژرف نهفته است. این تنها یادکرد از امشاسپندان از زبان کسی نقل می‌شود که الگوی برترین انسان زمینی و گیتیک به شمار می‌آید. رستم کسی است که هرچند انسان کامل نیست، اما کاملاً انسانی است که قوم و اقوام ایرانی در ناخودآگاهی خود به عنوان نمونه یک زندگانی سرافراز و نیک‌نام بر ساخته‌اند. مهم‌تر از آن، شخصیتی است که جهان‌پهلوانی چون رستم در برابر او با فروتنی و کرنشی حقیقی و نه ساختگی، خداوند و مینویان را می‌خواند تا بزرگی و جاودانگی شه‌ریاری وی را موجب گردند و زندگانی و پادشاهی او را سامان دهند.

کیخسرو، آرمانی‌ترین و مینوی‌ترین شخصیت شاهنامه است که هم در پادشاهی پاک و اهورایی همتایی برای وی نیست؛ هم برجسته‌ترین نمونه انسان کامل است (کزازی، ۱۳۸۸: ۲۱۴) و هم این که تمامی زندگانی وی مظهر و عرصه حضور و بروز تام امشاسپندان است. در این میان نقش خرداد و

امرداد در شخصیت این پادشاه اهورایی بسیار برجسته است؛ چنان که مظهر کمال و رسایی در فضیلت‌های اخلاقی و نفسانی و همچنین در نحوه شهرت‌یاری است؛ و تمامی این عوامل نایل شدن وی به مقام جاودانگی و بی‌مرگی را سبب شده است. چنان که وی به خواست و دعای خود و با اذن خداوند، زنده به مینو می‌رود و بی آن که بمیرد راه جهان دیگر را در پیش می‌گیرد. نیز این امر شایان توجه است که «اهمیت کیخسرو در شاهنامه بدان پایه است که در سنجش با پادشاهان دیگر بیشترین ابیات شاهنامه، یعنی معادل ۲۹٪ کل شاهنامه به پادشاهی وی و رویدادهای زمانه وی اختصاص یافته است» (سرامی، ۱۳۸۸: ۸۰۲).

هنگامی که این مایه ارج و ارزش این پادشاه مینوی و مظهریت وی برای معانی بلند امشاسپندان را در کنار یاد کردن آشکارا از اورمزد و امشاسپندان - آن هم تنها برای همین یک بار - قرار می‌دهیم، گونه‌ای هم‌سویی و هماهنگی را میان آنها مشاهده می‌کنیم. گویا فردوسی بزرگ در نهان و نهاد اندیشه خویش و به ناخودآگاه این هماهنگی را دریافته بوده است و از همین رو این موضع را بهترین جا برای اشاره به این مینوان و مینویان سپند جاودانه دانسته و نام آنها را در پیشگاه کیخسرو بر زبان رستم نهاده است؛ اما آنچه بیشتر با موضوع جستار حاضر در پیوند است و آن را برجسته‌تر می‌نماید این است که این شهریار آرمانی شاهنامه بیش از هر چیز مظهر کمال و رسایی دنیوی و نیز جاودانگی و بی‌مرگی مینوی محسوب می‌گردد. به بیان دیگر آنچه بیش از سایر امشاسپندان در نمادگونه کیخسرو جلب نظر می‌کند، همین دو مفهوم خرداد و امرداد است.

۴ - مجموعه نشانه‌های امشاسپند خرداد - که بر اساس سنجش و بررسی ویژگی‌های آن از متن شاهنامه استخراج شده است - شامل ۱۳ نشانه است و نیز ۱۷ موضع از شاهنامه را به عنوان نشانه‌های امشاسپند امرداد برکشیده و مشخص کرده‌ایم. در هر یک از این موارد می‌توان تمامی ویژگی‌های عمومی امشاسپندان و دست کم یکی از ویژگی‌های اختصاصی این دو و یا معادل آنها را مشاهده نمود. با نظر به این نشانه‌ها خواهیم دید که اگرچه در سامانه امشاسپندان، این دو امشاسپند هم‌رده و هم‌سطح با یکدیگر دانسته شده‌اند؛ اما نشانه‌های غیر مستقیم امرداد در این متن اندکی بیش از خرداد است. البته اگر موارد هشت‌گانه ذکر خردادماه و خردادروز را نیز در شمار آوریم، کفه و سویه خرداد کمی بیشتر و سنگین‌تر خواهد شد.

در اینجا به منظور پیشگیری از هرگونه سوء برداشت دوباره تأکید می‌کنیم که ذکر این موارد هرگز دال بر حضور قطعی این دو مفهوم و دلیلی بر تأثیر قطعی آنها بر شاهنامه نیست؛ بلکه تنها حاکی از احتمال این تأثیرپذیری و تقویت این احتمال قلمداد می‌گردد و نه بیش از آن. به بیان دیگر، عنایت به این نشانه‌های غیر مستقیم - که عمدتاً جامع ویژگی‌های مذکور به نظر می‌رسند - تنها عطر و بویی از دنیای امشاسپندان و رد پایی از این فرشتگان سپهر فرزانی ایران باستان را به ذهن و نظر خواننده عرضه می‌کنند؛ اما طبعاً هیچ سخنی از دلالت قطعی و اقامه برهان متقن از این رهگذر در میان نیست.

۵ - اکنون بر آنیم تا با بررسی نشانه‌های غیر مستقیم این دو امشاسپند از حیث میزان بهره‌مندی آنها از ویژگی‌های عمومی و اختصاصی یاد شده، به نقد و تحلیل آنها پرداخته، خصوصیات مزبور را از لحاظ میزان فراوانی و بسامد مورد تحلیل قرار دهیم. در میان ویژگی‌های عمومی امشاسپندان، ویژگی‌های «۱ ج» یعنی همراهی با امشاسپندان دیگر، «۲» یعنی پیوند با فضای فرهنگی ایران باستان و «۱ د» یا همان تأکید در هر ۱۳ نشانه موجود در جدول نشانه‌های امشاسپند خرداد دیده می‌شوند و ۱۰۰٪ آنها را در بر گرفته‌اند. همچنین تمامی نشانه‌های امشاسپند امرداد اولاً به گونه‌ای با مفهوم خداوند در پیونداند؛ ثانیاً همراه با تأکید و برجستگی ذکر شده‌اند و ثالثاً همگی به نحوی با فرهنگ ایران باستان ارتباط و به آن تعلق دارند. به بیان دیگر از میان ویژگی‌های عمومی، ویژگی‌های «۱ ج، ۱ د و ۲» در نشانه‌های خرداد و نیز ویژگی‌های «۱ ا، ۱ د و ۲» در نشانه‌های امرداد به طور ۱۰۰٪ حضور یافته‌اند. البته ویژگی «۱ ه» یعنی حضور در سامانه امشاسپندان نیز از پرکاربردترین ویژگی‌ها در جدول شماره سه محسوب است. این ویژگی ۱۶ بار در نشانه‌های مختلف این جدول به کار رفته است که ۹۴٪ آنها را شامل می‌شود. همین طور ویژگی «۱ ا» یا پیوند با مفهوم خداوند در جدول نشانه‌های خرداد نه بار به کار رفته و حدود ۶۹٪ موارد را در بر گرفته است که بسامدی نسبتاً بالا محسوب می‌شود.

مهم‌ترین آنچه از مطالب بالا بر می‌آید، نخست هماهنگی و همراهی کامل خرداد یا کمال و رسایی با مفهوم سامان‌مندی و دوم همراهی کامل امرداد یا جاودانگی با خداوند به عنوان برترین مصداق آن است.

۶- در جدول نشانه‌های غیر مستقیم امشاسپند خرداد، ویژگی «۱ ه» یعنی مفهوم عام کمال و رسایی بیشترین بسامد را در میان سایر معانی اختصاصی آن یافته است. این مفهوم با ۱۱ مورد از این

نشانه‌ها یعنی حدود ۸۵٪ از آنها همراه شده است. نیز معنای عام بی‌مرگی و جاودانگی در نشانه‌های آمداد ۱۴ بار تکرار شده است که به معنای حضور در بیش از ۸۲٪ موارد به عنوان نخستین ویژگی اختصاصی پرکاربرد این امشاسپند است.

۷- دو ویژگی عمومی «۱» و «۱ب» هر کدام در ۹ موضع از مجموعه نشانه‌های خرداد به چشم می‌خورند و حضوری معادل ۶۹٪ را به نمایش می‌گذارند. این نکته به این معناست که حدود ۶۹٪ از نشانه‌های این امشاسپند در شاهنامه فردوسی در پیوند با مفهوم خداوند و نیز همراه با نحوه‌ای از برتری نسبت به دیگر پدیده‌ها آمده‌اند.

اما وضعیت این دو ویژگی در نشانه‌های آمداد به این ترتیب است که ۱۲ مورد از این نشانه‌ها، یعنی ۷۰/۵٪ آنها به نحوی از انجا حاوی مفهوم برتری و سروری نسبت به سایر موجودات و آفریدگان خداوند به شمار می‌روند. در خصوص ویژگی «۱» نیز پیش از این گفتیم که ۱۰۰٪ نشانه‌های آمداد گویای همراهی و پیوند با خداوند به شمار می‌آیند.

۸- از میان ویژگی‌های اختصاصی خرداد، کد «۱و» یعنی مفهوم سلامت و آبادانی تن و گیتی با ۷ بار تکرار هفتمین ویژگی از حیث میزان کاربرد در این جدول محسوب است که ۵۳/۸٪ از موارد این جدول را همراهی می‌کند. کد «۱و» در ویژگی‌های اختصاصی آمداد به معنای هرگونه اشاره و یادکردی از جهان ماورای طبیعت، بهشت، دوزخ، عالم فرشتگان، روان‌ها و ... است. این ویژگی در جدول شماره سه نیز هفتمین رتبه را از حیث میزان بسامد به خود اختصاص داده است. چرا که در جدول مزبور ۱۰ بار به کار رفته است که به معنای حضور در کمتر از ۵۸٪ موارد است.

۹- کد «۱ز» در ویژگی‌های اختصاصی هر دو امشاسپند به معنای همراهی خرداد و آمداد با یکدیگر است. این ویژگی در جدول نشانه‌های خرداد در ۵ مورد یعنی ۳۸٪ آنها به کار رفته است که در این جدول هشتمین جایگاه از حیث میزان تکرار و کاربرد به شمار می‌آید. این ویژگی در جدول نشانه‌های آمداد نیز حایز هشتمین جایگاه از حیث میزان بسامد است. در این جدول تنها سه مورد از نشانه‌ها، یعنی کمتر از ۱۸٪ آنها از این ویژگی برخوردار هستند. می‌بینیم که به رغم همراهی این دو به عنوان موجودات مشخص و بیرونی، آنگاه که مفاهیم و معانی آنها مورد نظر باشد گویا در این همراهی چندان قطعیتی نیست.

۱۰- آخرین و کم‌کاربردترین ویژگی در هر دو جدول از میان ویژگی‌های اختصاصی خرداد و امرداد، کد «ح» یعنی نقش و کارکرد رب النوعی آنان است. همراهی با نماد آب در نشانه‌های خرداد تنها سه بار تکرار شده و در ۲۳٪ از موارد حضور یافته است. اشاره به نماد گیاه و همراهی با آن نیز در جدول شماره سه تنها یک بار یعنی کمتر از ۶٪ به چشم می‌خورد. از آنجا که کارکرد رب النوعی امشاسپندان حاکی از نقش و معنای فلسفی و هستی‌شناختی آنهاست، بنا بر این کم‌رنگ بودن این معنای فلسفی در متنی ادبی و حماسی همچون شاهنامه چندان دور از انتظار نیست. چرا که امشاسپندان اگرچه در بستر پیدایش خود نقش و کارکردی فلسفی و هستی‌شناختی نیز داشته‌اند و این کارکرد فلسفی در متونی مانند آثار شیخ شهاب الدین سهروردی به روشنی باز تافته است، (ن ک. سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۶۰؛ ج ۲: ۱۲۸ و ۱۴۹ و ۱۵۷ و ۱۹۹ و ۲۹۳)؛ اما بدیهی است که در متنی مانند شاهنامه کمتر شاهد جایگاه و معانی صرفاً فلسفی و انتزاعی عناصر فکری و فرهنگی باشیم و بیش از آن جلوه‌های باورشناختی، آیینی و نیز اساطیری اینگونه امور در چنین متنی منعکس گردد.

۱۱- در میان همه نشانه‌های امشاسپند خرداد بیشترین ارزش و امتیاز متعلق به دومین مورد است. این نشانه در بر دارنده ابیاتی است که به دوران پادشاهی جمشید، بزرگ‌ترین پادشاه پیش‌دادی اشاره دارد.

بفرمود پس دیو ناپاک را به آب اندر آمیختن خاک را
جهان سر به سر گشت او را رهی نشسته جهان‌دار با فره‌هی

(فردوسی، ۱۳۷۷، ج ۱، جمشید: ۳۴ - ۶۰)

فردوسی در این ابیات از روزگار شهریاری جمشید و شیوه پادشاهی او سخن می‌گوید. روزگاری که همه چیز جهان در اوج کمال و رسایی است و آبادانی جهان و تن‌درستی انسان‌ها در حدی است که برای مدت‌ها هیچ‌گونه بیماری، ویرانی و مرگ زندگانی انسان را نمی‌آلاید. در این ابیات تمامی ویژگی‌های عمومی و همه اختصاصات امشاسپند خرداد حضور دارند.

۱۲- استوارترین نشانه از میان تمامی نشانه‌هایی که برای امشاسپند امرداد برشمردیم، مورد شماره ۱۵ است. این نشانه در بر دارنده ابیاتی در ارتباط با داستان ترجمه کتاب کليلة و دمنه در زمان پادشاهی کسری انوشیروان است. در این داستان پس از آن که تمثیل یک گیاه سحرآمیز و معجزه‌آسا طرح می‌گردد که توان زنده نمودن مردگان را دارد، قهرمان داستان پس از پژوهش و کاوش بسیار به

این نتیجه می‌رسد که زنده کردن مردگان تنها از قدرت لایزال آن زنده جاوید ساخته است و منظور از آن گیاه، حکمت و دانش است.

پزشکان فرزانه را خواند رای کسی کاو به دانش بوَد رهنمای

...

...

بدانست کان کار آن پادشاس ت که زنده است جاوید و فرمانرواست

(همان، ج ۸، کسری: ۳۳۷۳ - ۳۳۳۸)

در این نشانه تمامی ویژگی‌های عمومی و اختصاصی مگر ویژگی «ا ز» یعنی همراهی با امشاسپند خرداد حضور دارند. حتی اگر یاد کردن از پزشکان را نوعی اشاره به تن‌درستی و سلامت به شمار آوریم، آنگاه تمامی ویژگی‌ها را در کنار یکدیگر خواهیم داشت.

نتیجه

از امشاسپندان خرداد و امرداد تنها یک بار در متن شاهنامه نام برده شده است که این امر حاکی از بازتاب ضعیف و کمرنگ باورهای دینی ایران مزدایی به طور صریح و بی‌پرده در رویه‌ها و لایه‌های بیرونی و نه چندان ژرف شاهنامه به نظر می‌رسد. نیز با توجه به ویژگی‌های عمومی و اختصاصی امشاسپندان تعداد ۱۳ نشانه برای خرداد و ۱۷ نشانه نیز برای امرداد بر شمرده‌ایم.

در میان نشانه‌های امشاسپند خرداد بیشترین بسامد مشترکاً از آن ویژگی‌های عمومی «ا ج»، «ا د» و «۲» است و ویژگی‌های «ا ۱» و «ا ب» از حیث بسامد پس از آنها واقع هستند. نیز از میان مفاهیم اختصاصی این امشاسپند مفهوم کمال و رسایی دارای بالاترین بسامد است و پس از آن به ترتیب مفاهیم سلامت و آبادانی، همراهی با مفهوم جاودانگی و بالاخره همراهی با نماد آب قرار گرفته‌اند.

همچنین بیشترین و پررنگ‌ترین ویژگی‌ها در نشانه‌های امرداد عبارت‌اند از پیوند با مفهوم خداوند، تأکید و برجستگی و نیز تعلق به فضای فرهنگی ایران باستان. پس از این ویژگی‌های عمومی به ترتیب مفاهیم همراهی با جمع امشاسپندان، جاودانگی، برتری بر امور دیگر، اشاره به عالم ماورای طبیعت، همراهی با امشاسپند خرداد و نهایتاً همراهی با نماد گیاه قرار دارند.

۱. واژه «رای» یا «راج» اسم عامی برای پادشاهان هند است (ن ک. دهخدا، لغت‌نامه: ذیل رای).

در نوع به کار رفتن این دو در متن شاهنامه و نیز در نشانه‌های آنها گونه‌ای همسانی و نزدیکی به چشم می‌خورد. جز این که مواضعی که متبادر کننده امرداد است کمی بیشتر در متن حضور یافته و آن هم عمدتاً با مفهوم خداوند همراه است که این امر قوت جنبه معنوی و مینوی شاهنامه را بیش از پیش متجلی می‌سازد.

پیوست‌ها

جدول شماره یک، ویژگی‌های عمومی امشاسپندان به همراه معانی اختصاصی خرداد و امرداد

عنوان	ویژگی‌های عمومی	عنوان	خرداد	امرداد
۱- ارتباط و همراهی با خداوند	۱- ه	کمال، رسایی، پروردگی و تمامیت	بقا، دوام، جاودانگی	
۱- برتری نسبت به سایر مظاهر خلقت	۱- و	سلامت و آبادانی جهان و انسان	زندگی مینوی، بهشت و دوزخ، تمثیل آب حیات	
۱- پیوند و همراهی امشاسپندان با یکدیگر	۱- ز	همراهی با مفهوم جاودانگی یا امرداد	همراهی با کمال یا خرداد	
۱- تأکید و برجسته‌سازی	۱- ح	رب النوع آب	رب النوع گیاه	
۲- تعلق به فضای فکری و فرهنگی ایران باستان				

جدول شماره دو، نشانه‌های غیر مستقیم امشاسپند خرداد در شاهنامه فردوسی

ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی	ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی
۱	ا، اب، اج، اد، او، ۲	۷	ج ۱، جمشید: ۳ ۷-	۸	ا، اج، اد، او، از، ۲	۷	ج ۶، شاپور اردشیر: ۲۱۸-۲۱۶
۲	ا، اب، اج، اد، او، ۲ از، اج، ۲	۱۰	همان: ۳۴- ۶۰	۹	ا، اب، اج، اد، او، ۲	۷	ج ۸، یزدگرد: ۴۶- ۵۴
۳	ا، اج، اد،	۷	ج ۱، فریدون:	۱۰	ا، اب، اج،	۷	ج ۸، کسری: ۸۱۴-

ردیف	نشانه ها	جمع امتیازات	نشانی	ردیف	نشانه ها	جمع امتیازات	نشانی
	اه، از، ۲		۸۸۱ - ۸۸۸		اد، اه، ۲		۸۱۷
۴	اب، اج، اد، اه، او، ۲	۷	ج ۲، سهراب: ۶۶ - ۶۴	۱۱	اب، اج، اد، اه، او، ۲	۷	همان: ۱۷۰۳ - ۱۷۳۱
۵	اه، اب، اج، اد، اه، او، از، ۲	۹	ج ۳، سیاوش: ۱۷۶۷ - ۱۷۸۴	۱۲	اه، اج، اد، او، از، ۲	۷	همان: ۲۴۲۰ - ۲۴۳۵
۶	اه، اب، اج، اد، اه، اج، ۲	۸	ج ۷، اسکندر: ۱۶۱ - ۱۶۶	۱۳	اب، اج، اد، اه، او، ۲	۷	ج ۸، هرمزد: ۴۷۷ - ۴۹۹
۷	اه، اج، اد، اه، اج، ۲	۷	همان: ۲۵۴ - ۲۸۰				

جدول شماره سه، نشانه‌های غیر مستقیم امشاسپند امرداد در شاهنامه فردوسی

ردیف	نشانه ها	جمع امتیازات	نشانی	ردیف	نشانه ها	جمع امتیازات	نشانی
۱	اه، اب، اد، اه، او، ۲	۷	ج ۱، فریدون: ۳۳۹ - ۳۴۰	۱۰	اه، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	همان: ۱۸۵۳ - ۱۸۵۵
۲	اه، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	همان: ۷۰۲ - ۷۰۶	۱۱	اه، اب، اج، اد، او، ۲	۷	ج ۸، کسری: ۹۱۵ - ۹۱۷
۳	اه، اج، اد، اه، از، ۲	۷	همان: ۸۸۱ - ۸۸۸	۱۲	اه، اج، اد، اه، او، ۲	۷	همان: ۱۲۸۱ - ۱۲۸۷
۴	اه، اج، اد، او، از، ۲	۷	ج ۳، سیاوش: ۱۷۶۷ - ۱۷۸۴	۱۳	اه، اب، اج، اد، او، ۲	۷	همان: ۱۳۱۴ - ۱۳۲۶
۵	اه، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۴، خاقان چین: ۸۳۱ - ۸۳۳	۱۴	اه، اج، اد، اه، او، از، ۲	۸	همان: ۲۴۲۰ - ۲۴۳۵

ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی	ردیف	نشانه‌ها	جمع امتیازات	نشانی
۶	۱۱، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۵، دوازده رخ: ۲۵۱۱ - ۲۵۰۹	۱۵	۱۱، اب، اج، اد، اه، او، اح، ۲	۹	همان: ۳۳۷۳ - ۳۳۸۰
۷	۱۱، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۵، جنگ بزرگ کیخسرو: ۲۹۴۸ - ۲۹۴۶	۱۶	۱۱، اب، اج، اد، اه، ۲	۷	ج ۹، خسرو پرویز: ۲۰۳۹ - ۲۰۴۲
۸	۱۱، اب، اج، اد، اه، او، ۲	۸	ج ۷، اسکندر: ۱۳۳۲ - ۱۳۷۲	۱۷	۱۱، اج، اد، اه، او، ۲	۷	ج ۹، یزدگرد: ۶۸۱ - ۷۱۱
۹	۱۱، اب، اج، اد، اه، او، ۲	۸	ج ۷، بهرام گور: ۱۷۵۰ - ۱۷۵۴				

کتابنامه

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۸۵). *تاریخ اساطیر ایران*. تهران: سمت.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۸۹). «هستی‌شناسی دیوان در حماسه‌های ملی بر پایه شاهنامه فردوسی». *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*. ش ۲۱. صص ۶۱ - ۸۸.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا*. تهران: مرکز.
- ایرانی، دینشاه. (۱۳۶۱). *فلسفه ایران باستان*. چ پنجم. تهران: فروهر.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۴). *تحلیل محتوا*. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی‌دوزی سرخابی. چ اول. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بویس، مری. (۱۳۷۶). *تاریخ کیش زرتشت*. مترجم: همایون صنعتی‌زاده. چ دوم. تهران: طوس.
- _____ (۱۳۸۶). *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها*. ویراست دوم. ترجمه عسکر بهرامی. چ نهم. تهران: ققنوس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *ادیان آسیایی*. چ دوم. تهران: چشمه.

- _____ (۱۳۷۶). جستاری چند در فرهنگ ایران. چ سوم. تهران: فکر روز.
- _____ (۱۳۸۰). بندهشن. فرنیغ دادگی. چ دوم. تهران: طوس.
- _____ (۱۳۸۶). پژوهشی در اساطیر ایران. چ ششم. تهران: آگاه.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۲). آثار الباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت صیرفی. تهران: کتابخانه خیام. پورداوود، ابراهیم. (۱۳۵۴). گاتاها. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۶). یسنا. دو ج. به کوشش بهرام فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۶). یشت‌ها. دو جلد. به کوشش بهرام فره‌وشی. چ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۰). ترجمه مینوی خرد. چ دوم. تهران: افراسیاب.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. چ اول. تهران: رشد.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۰). لغت‌نامه. تهران: چاپخانه مجلس.
- دوست‌خواه، جلیل. (۱۳۶۲). اوستا. نامه مینوی آیین زرتشت. چ چهارم. تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۸۵). گزارش و پژوهش اوستا. چ دهم. تهران: مروارید.
- دوفوشه‌کور، شارل هانری. (۱۳۷۴). «اخلاق پهلوانی و اخلاق رسمی در شاهنامه فردوسی». تن پهلوان و روان خردمند. ویرایش شاهرخ مسکوب. تهران: طرح نو. صص ۱۰ - ۱۶.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). فرهنگ اعلام اوستا. چ اول. تهران: فروهر.
- ریاحی، محمد امین. (۱۳۷۵). فردوسی: زندگی، اندیشه و شعراو. تهران: طرح نو.
- سختایی، مژگان. (۱۳۸۲). «آموزه توحید در دین زرتشتی». حکمت سینوی. ش ۲۳. صص ۱۳۰ - ۱۵۲.
- سرامی، قدم‌علی. (۱۳۸۸). از رنگ گل تا زنج خار. شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه. چ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- سهرابی، نصیرا. (۱۳۸۷). تحلیل و بررسی آراء فلسفی ایرانی پیش از اسلام در شاهنامه فردوسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی بهزاد معینی سام. همدان: دانشگاه بوعلی سینا - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۲). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. ج اول تا چهارم. به تصحیح نجفقلی حبیبی و هانری کوربن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شعبانلو، علی‌رضا. (۱۳۹۱). «بازتاب اسطوره آفرینش آیین زروانی در داستان اکوان دیو». ادبیات

عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۸، ش ۲۶. صص ۹۶ - ۱۱۵.

شیر خدایی، ملیحه و بخشعلی قنبری. (۱۳۹۱). «نام‌های اهورامزدا در اوستا». پژوهش‌نامه ادیان. ش ۱۲. صص ۷۹ - ۹۶.

صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳). حماسه‌سرایی در ایران. چ چهارم. تهران: امیرکبیر.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). شاهنامه. بر اساس چاپ مسکو. تحت نظر ی. ا. برتلس. در یک دوره چهار جلدی. چ اول. تهران: سوره.

قادری، حاتم و تقی رستم‌وندی. (۱۳۸۵). «اندیشه ایران‌شهری، مختصات و مؤلفه‌های مفهومی». فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء. س ۱۶، ش ۵۹. صص ۱۲۳ - ۱۴۸.

قاسم‌پور، محدثه. (۱۳۸۸). بازتاب دین و فرهنگ مزدایی در شاهنامه. (بررسی تطبیقی باورها، آیین‌ها و اندرزهای شاهنامه با اوستا، متون پهلوی و پازند). پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی حسین حیدری. کاشان: دانشگاه کاشان - دانشکده علوم انسانی.

کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۸۸). نامه باستان، گزارش و ویرایش شاهنامه فردوسی. چ چهارم. چ سوم. تهران: سمت.

معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ معین. چ ششم. تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۴). مزدیسنا و ادب پارسی. به کوشش مهدخت معین. چ چهارم. تهران: دانشگاه تهران.

مکنزی، دیویدنیل. (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. چ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مهر، فرهنگ. (۱۳۸۴). دیدی نواز دینی کهن، فلسفه زرتشت. چ ششم. تهران: جامی

ویدن‌گرن، گئو. (۱۳۷۷). دین‌های ایران باستان. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.

هینلز، جان. (۱۳۷۳). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ سوم. تهران: چشمه.

Bartholomae, Christian. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*. Berlin